

انشاء صورت انسانی

آداب العقاد لفظ = نسل پاک



داود صمدی آملی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

شایسته می‌دانیم آدابی را جهت انعقاد صحیح نطفه که مستفاد از احادیث و روایات است خدمت عزیزان بیان نماییم.

در ابتدا باید به عرض برسانیم که طبق فرمای شات حضرت استاد علامه در کتاب‌ها، ازدواج برای انشای صورت انسانی است نه برای اطفای شهوت حیوانی، و لذا تمام افعال و اعمال مورد قصد قبل و بعد از ازدواج باید به گونه‌ای باشد که بدین مقصود و غایت منتهی شود. زیرا تمامی کیفیات نفسانی و مزاجی و احوال ظاهر و باطن والدین در کیفیت مزاجی و حصول استعداد نطفه‌ی انسانی دخیل‌اند و اشخاص مطابق همان کیفیات، دارای اخلاق و احوال گوناگون می‌شوند، چنان‌که دارای اشخاص گوناگون‌اند. لذا پدر و مادر باید بسیار مراقب اعمال و نیات خود باشند که همه‌ی آن‌ها در نحوه‌ی تکون صورت انسانی دخیلی بسزا دارند. پس در ازدواج حرف اطفای شهوت و زناشویی مطرح نیست، بلکه زهدان (رَحِم) مادر عزیز کارخانه‌ی آدم‌سازی است و این صنوع الهی باید به بهترین صورت پاک نگاه داشته شود.

ای عزیز! روایات، تفسیر بطون آیات قرآنی‌اند. باید پیش از ازدواج به آداب و احکام جوامع روایی از قبیل «بحار الأنوار» و «وافی» و «وسائل الشیعة» و «کافی» و مانند آن‌ها آشنا و آگاه بوده باشی. حضرت مولای مکرّم در «شرح فصّ فاطمیّه» می‌فرمایند:

«تمام صنایع آدمیان از برّی و بحری و فضایی را دستورات و آدابی است که دین حفظ و بقا و دوام آن‌هایند چنان‌که اگر هر یک از آن‌ها در کار خود به قدر یک میکرون از دین و آیینش به در رود و به خطا و ناروا حرکت نماید در همان نخستین بار خطا و ناروایی تباه می‌شود و نابود می‌گردد، مثلاً هواپیما از فضا سقوط می‌کند و کشتی در دریا غرق می‌شود، و اتومبیل دچار حوادث گوناگون

می‌گردد، و آن چرخ خیاطی خراب می‌شود، و آن ساعت دست تو تپاه می‌گردد و از کارش باز می‌ماند و هکذا صنایع بی‌شمار دیگر؛ و این همه صنایع گوناگون ساخته‌ی شخص جناب انسان است که برای بهبودی و درستی هر یک از آنها دستورالعملی در کنارش نهاده است؛ خدای سبحان فرموده است: ﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ﴾^۱ یعنی خداوند شما را و همه‌ی ساخته‌های شما را آفریده است؛ چه این که نطفه‌ها در تحت تدبیر ملکوت به جایی رسیده‌اند که عامل این همه صنایع شگفت شده‌اند ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ﴾ * خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ * ﴿يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ﴾^۲ انصاف بده آیا می‌شود صنایع شما را دین و آیین باشد و خود شما که مهم‌ترین صنع الهی هستید و این همه صنایع شگفت گوناگون صنع شما است بی‌دین باشید ﴿مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾^۳ ... بدان که احوال و اوضاعی که در حصول مزاج نطفه‌ی انسانی مثلاً، که محلّ قابل نفس ناطقه و پذیرای آن است به حصر و ضبط در نمی‌آیند، زیرا تفاوت ازمنه و اختلاف آفاق و اوضاع کواکب و احوال والدین و کیفیت اطعمه و اشربه و هزاران هزار عوامل دیگر در نحوه‌ی کیفیت مزاج نطفه دخیل‌اند، و آن نطفه‌ی کذابی در چنان اوضاع و احوال مطابق طبیعت و جبلت خود منعقد می‌شود و به وفق آن، قابلیت گرفتن عطایا و هبات باری تعالی پیدا می‌کند.^۴

خلاصه این که خُلق و خوی والدین و تمامی احوال آنان در اوقات و نیات آنها بلکه احوال نفس اوقات در حال انعقاد نطفه و غذای مادر در زمان حمل چون دیگر اوصاف روانی و جسمانی او همه در مزاج طفل تأثیری بسزا دارند، و حق سبحانه از مجرای وجود خود والدین نفخ روح می‌کند و روح از این مجاری رنگ می‌گیرد چون آب آسمان از وادی‌ها.

۱. صافات/۹۷.

۲. طارق/۶-۸؛ پس آدمی، باید نگردد که از چه آفریدندش. از آبی جهنده، آفریدندش. که برون از میان پشت و استخوان سینه آید.

۳. صافات/۱۵۵؛ چیست شما را داوری چگونه کنید؟

۴. حسن زاده‌ی املی (حسن)، شرح فصّ فاطمیه، ص ۳۳.

در دیوان حضرت مولا - روحی فداه - چنین آمده است:

طیب و طاهر است زهدانا	ای خوش آن کودکى کز آغازش
همچو زهدان پاک دامانا	بعد از آن مهد ناز او باشد
پاک و پاکیزه شیر پستانا	ز غذای حلال مى نوشد
مى نشیند به طفل آسانا	خوی مادر ز شیر پستانش
خود نتیجه است طفل ایشانا	مادر است صغری و پدر کبری
اندرین امر هست ایمانا	شرط انتاج این مقدمتین
نفخ روح خدای خلقانا	رنگ گیرد از این مقدمتین
گفته ی بعضی از بزرگانا	یا که هر یک دمنده ی روح است
عیسی و موسی بن عمرانا	دامن مادر است پرورده است
پدر است خاتم رسولانا	ز آمنه مادر و ز عبدالله

در این جا به ذکر ترجمه ی روایتی که جناب شیخ صدوق در حدیث اول مجلس هشتاد و چهار «امالی» خود نقل کرده تبرک می جوئیم.

«رسول الله ﷺ به علی بن ابیطالب رضی الله عنه چنین سفارش کرد و فرمود: یا علی! چون عروس را به خانه ی تو آرند وقتی نشست کفش او را بکن و پایش را بشوی و آبش را به در خانه ات بریز که چون چنین کنی خداوند از خانه ات هفتاد هزار رنگ فقر را ببرد و هفتاد هزار رنگ برکت در آن درآورد و هفتاد هزار رحمت بر تو فرو فرستد که بر سر عروس بگردد تا برکت آن به هر گوشه ی خانه ات برسد. و خداوند عروس را از جنون و خوره و پیسی امان دهد که به او رسند مادامی که در آن خانه است.

سپس فرمود: یا علی! عروس را در هفته ی نخستین از خوردن شیرها و سرکه و گشنیز (سبزی آمزنا) و سیب ترش بازدار، زیرا که زهدان از این چار (چهار چیز)، سرد و نازاینده گردد و بوریا در گوشه ی خانه به از زن نازاینده است. اگر عروس بر سرکه خوردگی

خون حیض بیند هیچ گاه به خوبی از آن پاک نگردد. و گشای آن
خون را در درونش بشوراند و زایمان را بر وی دشوار گرداند. و
سبب ترش آن را از آمدن باز بدارد و بیماری بر وی گردد.
سپس فرمود: ای علی! در هنگام جماع سخن مگو مبادا که فرزند
گنگ و لال گردد. و به عورت زن (در حین جماع) نگاه نکن که
سبب نابینایی فرزند شود. و با شهوت زن دهگری در محاطرت با
زنت جماع مکن که فرزند مخنث (خجثی و دو جنسی) آید. و
ایستاده با زنت جماع مکن که از کار خران است و اگر فرزندی
آید در فراش، کمیز میزند (یعنی دچار شب ادراری) شود. اول و
میانه و آخر ماه مجامعت مکن که دیوانگی و خوره و گیجی به
سوی فرزند شتابند. بعد از ظهر جماع مکن که اگر فرزندی آورد
قیح (لوج و دو بین) شود و شیطان به لوج بودن انسان شاد است.
کسی که با زن خود در بستر، جنب است قرآن نخواند می ترسم
آتشی از آسمان فرود آید و هر دو را بسوزاند. جماع مکن جز
آن که خودت دستمالی داشته باشی و زنت نیز پارچهی دیگر که با
یک پارچه خود را پاک مکنید که شهوت بر شهوت افتد و مایهی
دشمنی بین شما می شود و شما را به جدایی و طلاق می کشاند. در
شب عید فطر جماع مکن که اگر فرزندی آید بسیار شرور گردد.
در شب عید اضحی (قربان) جماع مکن که فرزند شش انگشت یا
چهار انگشت آید. زیر درخت باردار جماع مکن که فرزند جلاد و
آدمکش و کدخدا آید. در مقابل آفتاب و نور آن جماع مکن مگر
آن که هر دو با روپوش باشند که اگر فرزندی آید دائماً در سختی و
فقر باشد تا بمیرد. میان اذان و اقامه جماع مکن که اگر فرزندی آید
خونخوار گردد. اگر زنت باردار شد بی وضو با او جماع مکن که
فرزند کوردل و بیخیل آید. در نیمه ی شعبان جماع مکن که فرزندی
شوم و با خال چهره آید. دو روز به آخر ماه مانده با زنت جماع
مکن که فرزندی گمرکچی و کمک کننده ی ظالم آید و جمعی
از مردم به دست او هلاک شوند. بر سر پشت بامها جماع مکن
که فرزند منافق و ریاکار و بدعت گذار آید، چون قصد سفر داری

در شب آن جماع مکن که فرزند و لخرج آید. رسول خدا این آیه را خواند «إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ»؛ «به راستی مبتدیرین برادران شیاطین باشند.» چون در سفر رفتی تا سه شب جماع مکن که فرزند کمک کننده‌ی ظالم و ستمگر بر علیه تو شود. در ساعت اول شب با زنت جماع مکن که اگر فرزندی آید، بسا باشد که جادوگر و دنیا طلب در آید. ماه در محاق (سه شب آخر ماه) نباشد. و با شکم سیر جماع نشود.

یا علی! شب دوشنبه ملازم جماع باش که اگر فرزندی آید حافظ قرآن و راضی به قسمت خدا باشد. اگر شب سه‌شنبه جماع کنی و فرزندی آید پس از شهادت به شهادتین، شهادت روزی وی گردد و خداوند با مشرکان او را کیفر نکند و بوی دهانش خوش باشد و رحم دل و با سخاوت و پاک زبان از غیبت و دروغ و بهتان است. اگر شب پنج‌شنبه جماع کنی و فرزندی آید حاکمی از حکام گردد یا عالمی از علما. در روز پنج‌شنبه ظهر هنگامی که آفتاب در وسط آسمان است اگر جماع شود فرزند به دنیا آید تا پیر شود شیطان به او نزدیک نگردد و با فهم باشد و در دین و دنیا سلامت روزی اش گردد. اگر در شب جمعه با زنت جماع کنی و فرزندی آید سخنور و گویا و زبان‌آور شود. اگر در روز جمعه پس از عصر باشد و فرزندی آید معروف و مشهور و دانشمند گردد. اگر شب جمعه بعد از عشاء باشد امید فرزندی می‌رود که از ابدال باشد. ان شاء الله. ای علی! سفارش مرا نگاه‌دار چنان‌چه من از جبرئیل نگاه داشتم.»

بدان که جماع کردن در فرج زن در وقتی که حیض باشد یا با خون نفاس باشد حرام است که از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت است فرزندی که از آن متولد شود مبتلا به خوره و پیسی گردد و از مابین ناف تا زانو از ایشان (زن حیض) تمتع کردن مکروه است. و نیز بعد از پاک شدن از حیض و پیش از غسل کردن بعضی جماع را حرام می‌دانند، و احوط اجتناب است. و نیز وطی دُبُر زن مکروه است و بعضی آن را حرام می‌دانند. در حدیثی منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از جماع کردن

زیر آسمان و بر سر راه که مردم تردد کنند و فرمود که هر که در میان راه جماع کند خدا و ملائکه او را لعنت کنند.

حضرت رسول ﷺ فرمودند: از کلاغ سه خصلت را بیاموزید: اول جماع کردن پنهان را، دوم بامداد به طلب روزی رفتن را، و سوم بسیار حذر کردن را. در حدیث معتبر از حضرت رسول اکرم ﷺ منقول است که چون مرد و زن جماع کنند عریان نشوند مانند دو خر، زیرا که اگر چنین کنند ملائکه از ایشان دور می شوند.

در حدیث معتبر دیگر منقول است که مکروه است جماع میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از وقت فرو رفتن آفتاب تا برطرف شدن سرخی طرف مغرب. علاوه بر توجه به زمان، توجه به جهات نیز در گاه مجامعت مورد اهمیت بسیاری در روایات قرار گرفته است از آن جمله فرموده اند: زن و مرد در حین مواقعه (آمیزش) رو به قبله یا پشت به قبله نباشند. حکمتش نیز آن است که توجه به هر جهتی را خاصیتی است به حسب نسبت علوی، چنانچه فرموده اند: توجه به جانب قطب جنوب و ستاره‌ی سهیل به جهت سهولت ولادت بسیار مؤثر است و به تجربه معلوم شده که اکثر حیوانات عندالتولید به آن جانب متوجه می شوند و نیز فرموده اند: توجه به قطب شمال و دیدن آن و بنات النعش، صحت و تقویت چشم را مفید است. از این نکته‌ی علیا به سر در توجه به کعبه در هنگام صلوات برس که توجه مذکور موجب توجه نفس به عالم قدس می گردد. فافهم!

در روایت دیگر منقول است که اگر کسی انگشتی با او باشد که بر آن نام خدا نقش کرده باشد، جماع نکند.

در «بحار» روایتی است که امام فرمود:

«من أراد دخول الحمام للنورة فليجتنب الجماع قبل ذلك باثنتي عشرة

ساعة و هو تمام يوم.»

یعنی هر کسی که اراده‌ی وارد شدن به حمام کرد تا نوره بمالد سزاوار است که قبل از آن تا ۱۲ ساعت یعنی یک روز تمام از جماع کردن پرهیز نماید. و نیز گویند: جماع کردن از پهلو باد لَقوه (مرضی که در آن یک طرف صورت

۱. مجلسی (محمد باقر)، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۲۲، نشر احیاء التراث.

کشیده می شود و لبها خوب بسته نمی شوند پس هوا و بزاق از یک طرف دهان خارج می شوند) می آورد و جماع در حمام موجب نزول آب سیاه چشم می شود. در «خزائن» نراقی آمده که راه برو بعد از غذا خوردن ولو یک قدم، و بخواب بعد از حمام کردن ولو یک لحظه، و بول کن بعد از جماع ولو یک قطره.

اگر در حالت جماع زن بالا قرار گیرد بسیار بد است زیرا ممکن است ذکر و مثانه از فشار فواره کردن آب شهوت زخمی شوند و دور نیست که چیزی از طرف آلت زن به آلت مرد راه یابد.

کسی که نیاز به مستراح رفتن دارد و باید خود را از شر ادرار و مدفوع رهایی دهد، نباید قبل از تخلیه جماع کند.

در حال خسته شدن از ورزش یا هر حرکتی خسته کننده جماع خوب نیست. در حالی که انسان با واکنش روانی روبروست مثلاً ناراحت و یا عصبانی است جماع کردن خوب نیست.

انزالی که از ناحیه‌ی به زن چسبیدن یا بر پوست زن مالیدن حاصل آید نیز بی ضرر نیست.

جماع خوب و اصولی آن است که آرزوی جماع به نهایت برسد. یعنی زن و مرد زمانی جماع کنند که این میل در ایشان زیاد شده باشد نه این که از نگاه کردن به زن یا فکر و خیال جماع، خارش و سوزشی در آلت تناسلی مرد ایجاد شده و او را به جماع برانگیزاند، بلکه باید به گونه‌ای باشد که زیاد جمع شدن آب پشت بر انسان فشار آورده و او را به جماع کردن وادار کند.

وقتی که انسان بسیار سیر است و معده پر از غذاست جماع خوب نیست؛ زیرا جماع در این حال مانع هضم شدن غذا می شود. شیخ رئیس بوعلی سینا در «قانون» می فرماید:

«اگر کسی با شکم سیر و پر از غذا می خواهد جماع کند حداقل قبل از جماع مدتی حرکت کند که خوراک تا اندازه‌ای در معده جای گیر شود و به حالت شناور در نیاید، بعد از جماع کردن هم تا می تواند زود بخوابد و زیاد بخوابد.»

همچنین کسی که گرسنه است و معده‌اش خالی از خوراک است باز نباید جماع کند که جماع به حالت گرسنگی بیش تر از جماع با شکم سیری زیان دارد؛ زیرا

جماع کردن با شکم گرسنه موجب از بین رفتن گرمای طبیعی بدن و گداختگی در تن و سبب دق (مرضی که باعث لاغر و نحیف شدن بدن می گردد) می شود. افضل اوقات جماع زمانی است که شخص هضم اول و دوم را پشت سر گذاشته و در اثنای هضم سوم است و آن هنگامی است که غذا در معده هضم شده و دارد از معده سرازیر می شود که حدوداً سه یا چهار ساعت بعد از تناول غذا می باشد. همچنین جماع کردن پس از اسهال و قی (استفراغ) نمودن ضرر دارد و باید از آن اجتناب کرد.

کسی که بدنش بسیار گرم است یا زیاد احساس سرما می کند نباید جماع کند. به طور کلی بهترین وقت جماع آن است که شخص به تجربه دریابد که در چه فاصله‌ای از زمان اگر جماع داشته باشد احساس سبکی و استراحت می کند و هوشش جمع تر می شود آن مدت را به ذهن بسپارد و انجام جماع را بر حسب تجربه‌ی به دست آمده تنظیم کند، چرا که افراط در جماع باعث بیماری‌های بسیاری چون ضعف دماغ (مغز) و عصب و رعشه و تشنج و ضعف قلب و ضعف بصر و ضعف کبد و ضعف معده می گردد.

جناب رسول الله ﷺ می فرمایند:

«کراهت دارد این که مرد با زنش بیامیزد در حالی که قبل از آمیزش محتلم بوده باشد تا این که غسل کند از احتلامش، پس اگر بدون غسل آمیخت و بچه‌ای مجنون برای او آمد جز خود، شخص دیگری را ملامت نکند.»

در روایت است که همبستر نشدن با همسر بیش از چهار روز کراهت دارد و عدم مواقعه‌ی با او بیش از چهار ماه، گناه محسوب می شود و طرفین باید استغفار نمایند. از آن جا که مبدأ و سرچشمه‌ی بیش تر اختلافات زن و مرد در منزل، ارضا نشدن کامل یکی از طرفین و یا هر دو طرف است لذا زن و مرد باید سعی نمایند همواره بر تمایلات جنسی یکدیگر پاسخ مثبت داده و بر یکدیگر پشت نکنند. در روایات کثرت جماع مستحب شمرده شده و این عمل موجب محبت و الفت بیش تر بین زن و مرد می شود. اما در عین حال باید توجه نمود که کثرت این عمل نباید به اندازه‌ای برسد که موجب ضعف قوای طرفین و یا عدم امتیاز ایشان از حیواناتی که صورت ملکه‌ی شهوت هستند گردد، حیواناتی چون خروس که صورت ملکه‌ی شهوت و

ندوستان می باشد.

در «مکارم الأخلاق» از حضرت امیرالمؤمنین علی وصی علیه السلام روایت است که فرمود:

«خواهید برای زن حلال نیست تا زمانی که خود را بر همسرش عرضه کند، یعنی زن لباس خود را از تن در آورد و به بستر شوهر برود و به او بچسبد.»

در «فروع کافی» از امام محمد باقر علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده که امام صادق علیه السلام فرمود:

«زنی نزد پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله آمد، حضرت به آن زن فرمود: گویا تو از تسویف دهندگانی؟! پرسید: تسویف دهنده کیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: زنی که شوهرش او را برای حاجتی صدا کند و او همچنان شوهر را سر بگرداند تا وقت بگذرد (برای جماع) که شوهر به خواب رود. چنین زنی را ملائکه لعنت کنند تا شوهر از خواب برآید.»

و نیز در «فروع کافی» آمده که امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به زنان می فرمود:

«وقتی که همسران تان می خواهند با شما نزدیکی کنند نماز خود را به درازا نکشید.»

و نیز آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله از مردی سؤال کرد آیا صبح روزه بودی؟ گفت نه! پرسید: آیا فقیری را اطعام کردی؟ گفت: نه! حضرت فرمود: پس برگرد با همسرت نزدیکی کن که برای او مثل صدقه دادن است.»

در «حلیة المتقین» آمده است:

«زنی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و شکایت کرد شوهرم با من نزدیکی نمی کند. حضرت فرمود: خود را خوشبو کن تا نزدیک تو بیاید. زن گفت: هیچ بوی خوشی را نگذاشتم مگر آن که خود را به آن خوشبو کردم اما باز هم از من دوری می کند. حضرت فرمود: اگر می دانست در آمدن به نزد تو چه ثوابهایی دارد از تو

دوری نمی‌گردد، نوابش همانند آن است که شمشیر کشیده و در راه خدا جهاد می‌کند، پس چون با تو مجامعت کند گناهان از او بریزد چنان‌که برگ از درخت می‌ریزد و چون غسل کند از گناهان خارج شود.»

و در «طب الائمه» آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:
«هرگاه کسی را دردی در بدن به هم رسید یا حرارت بر مزاجش غالب شد با همسر خویش جماع کند تا درد تسکین یابد.»
و در «طب الرضا» آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود:
«هرگاه گرسنه و تشنه شدی بخور و بنوش و اگر خوابت آمد بخواب و چون بول داشتی بول کن و هرگاه خواستی نزدیکی کنی پس انجام بده، به درستی که هر امری در همان وقت برای بدن بهتر و مفیدتر است.»

و در «فروع کافی» آمده که امام صادق علیه السلام فرمود:
«چیزی نیست که ملائکه را حاضر کند مگر آن‌که مرد با حرص و ولع با همسر خویش بازی و خوش طبعی نماید.»
و در «خصال» صدوق آمده که امیرالمؤمنین علی علیه السلام وصی علیه السلام می‌فرماید:
«چون یکی از شما خواست با همسر خویش آمیزش کند از شتاب کردن در این کار پرهیز نماید که زنان نیز نیازهایی دارند.»
و در «فروع کافی» آمده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
«چون کسی می‌خواهد با زن خود جماع کند به روش پرندگان و مرغان به نزد او نرود بلکه در ابتدا با او بازی و خوش طبعی کند سپس جماع نماید.»

بر همین اساس جناب سید نعمت‌الله جزائری در کتاب شیرین «زهر الربیع» روایتی از جناب امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در آداب جماع نقل نموده و فرموده است:
«و عنه علیه السلام الأمر قبل الوقاع بالمداعبة و التقبیل و تغمیز الشدین لأن ماء المرأة یخرج من ثدیها و شهوتها فی وجهها فالتقبیل طلباً للشهوة، حتی ترید هی منک ما تریده أنت منها، و أما تغمیز الشدین فطلباً لنزول مائها حتی یتخلق الولد من المائین لأن البنت إذا تخلقت من ماء الرجل وحده تكون سلیطة تشبه الرجال بالأوصاف و قلة الحياء و كان العرب إذا

أرادوا تشبّه الأولاد بهم عمدوا إلى موقعة النساء وقت الرّحيل لكثرة
مشاغل نسائهم فلا يردن ذلك الأمر و الرجال تشتته فيكون الولد يشبه
أباه.»

یعنی از امام هشتم روایت است که قبل از جماع، بازی و خوش طبعی
کردن با زن و نیز بوسیدن و مالیدن پستان‌های او مستحب است،
چرا که بدین وسیله آب زن از پستان‌های زن خارج شده و شهوت
در صورتش آشکار و نمایان می‌شود، پس بوسیدن به جهت طلب
شهوت نمودن است تا زن اراده کند از مرد آنچه را که مرد از او
اراده کرده است. و اما مالیدن پستان به جهت طلب نازل شدن آب
زن است تا بدین طریق فرزند از آب زن و مرد متولد شود، زیرا
زمانی که دختر فقط از آب مرد متولد می‌شود سلیطه بار آمده و در
اوصاف شباهت به مردان پیدا کرده و کم حیا می‌شود. و عرب بر
این رسم بود که زمانی که اراده می‌کردند فرزندان‌شان شبیه ایشان
شوند عمداً جماع با زنان را به وقت کوچ کردن قرار می‌دادند، چرا
که در این زمان زنان مشغله‌ی بسیاری داشته و لذا اراده‌ی موقعه
نمی‌نمودند و فقط مردان به جماع اشتها داشتند پس فرزند شبیه
پدرش می‌شد.»

در آخر مطلبی را خدمت زوج‌های جوان تقدیم می‌داریم و آن این‌که اگر اعمال
زناشویی ایشان ثمره‌ای نداد و منجر به حاملگی و تولد فرزند نشد ناامید نشوند و خود
را به آسانی دست پزشکی که با تجویز قرص و کپسول و آمپول در پی معالجه‌اند و
ادعا می‌کنند با خوردن این قرص‌های شیمیایی جماع نتیجه داده و زن حامله می‌شود
نسپارند، زیرا این مواد شیمیایی نه تنها کار را درست نمی‌کند، بلکه این صنع الهی اعنی
زهدان زن را نابود کرده و زنی را که چه بسا ممکن بود بعدها به روال عادی حامله
شود، عقیم می‌کند. زیرا بسیاری از فرج‌ها به گونه‌ای است که سالیانی پس از ازدواج
و همبستری زن و مرد نتیجه داده و منجر به حاملگی می‌شود. و حضرت ابراهیم علیه السلام
و حضرت زکریای علیه السلام دو نمونه‌ی خوب و کاملی برای اثبات این مدعا هستند که
هر دو بزرگوار در سنین پیری صاحب فرزند شدند.

هیچ زن و مردی به طور طبیعی عقیم نیستند مگر این‌که حاوی یکی از این دو
نشانه باشند: یکی آن‌که زن عادت ماهانه نشود و دیگر این‌که عانه‌ی زن و مرد بی‌مو

باشد. فقط در این دو صورت زن یا مرد عقیم می‌شوند و راهی برای بچه‌دار شدن آنها نمی‌ماند و غیر از این دو دسته، هر زن و مردی ممکن است حتی پس از گذشتن سال‌ها از ابتدای ازدواج شان بچه‌دار شوند.

البته شیخ رئیس بوعلی سینا در «قانون» احتمال بچه‌دار شدن چهار دسته را ضعیف می‌شمرد؛ اولین دسته افراد مست هستند که معمولاً آب پشت مستان کم‌تر بچه می‌آورد. دوم پیرانی که بسیار سالخورده‌اند. سوم کسانی که در جماع زیاده‌روی می‌کنند. چهارم کسانی که ذکرشان بیش از حد معمولی دراز است، زیرا در این حالت، مسافت راهی که آب پشت طی می‌کند دورتر می‌شود و در این مسافت زیاد سرد می‌شود و از حرارت طبیعی‌اش کاسته می‌شود به طوری که تا به زهدان در می‌آید بیش‌تر بهره‌رسانی‌اش را از دست داده، از این رو اکثراً جماع این دسته مثمر ثمر نیست و بچه نمی‌آورد.

فقط باید توجه داشت که برای انعقاد نطفه و حصول فرزند باید مدتی از دخول کردن و همبستری با زن پرهیز نمود تا در این مدت رحم زن کاملاً تشنه نطفه‌ی مرد گردد و در وقت دخول و انزال، آن را کاملاً به خود جذب نماید. زیرا در بسیاری از مواردی که نکاح حقیقی یعنی همبستری زن و مرد نتیجه نمی‌دهد و منجر به حاملگی نمی‌شود بدین خاطر است که دخول زیاد و پشت سر هم صورت می‌گیرد. تکرر این عمل باعث شده که رحم گشاد شده و میل آن‌چنانی به قبول نطفه‌ی مرد نداشته باشد، لذا برای نتیجه‌گیری از این عمل، نیکوست که مثلاً چند روز قبل از عادت ماهانه‌ی زن، این عمل ترک شود تا هنگامی که زن از خون پاک شود، و بعد از پاک شدن بهترین وقت برای دخول و انعقاد نطفه است، تا جایی که فرزندان که در چنین ایامی متولد می‌شوند نسبت به دیگر افراد از نشاط و طراوت خاصی برخوردار هستند.

و نیز توجه به این نکات در امر بچه‌دار شدن مهم به نظر می‌رسد:

۱- از عزیزان، دختران و مادران عزیز استدعا می‌شود که از خوردن سبزی آمزنا (گشنیز) و سبزی شاهی (ترتیزک) به شدت خودداری کنند.

۲- از خوردن آبی که یخ در آن محلول می‌شود خودداری نمایند و وقتی باردار شدند هرگز از یخ خوردن برخوردار نباشند که بچه‌ها را فلج می‌کند و منجر به سزارین می‌گردد.

۳- از خوردن ترشی نارنج خودداری نمایند.

۴- زنانی که سقط جنین دارند علاوه از مراعات موارد فوق از تکرر جماع با شوهر نیز پرهیز کنند و گویا راه‌هایی برای جلوگیری از سقط جنین وجود داشته باشد.

۵- زنان باردار در طول بارداری سوره‌ی مبارکه‌ی یوسف و سوره‌ی مبارکه‌ی مریم را تلاوت کنند.

۶- اموری که در نقل و روایات منقوله مطرح شد را جدی بگیرند و برای بچه‌دار شدن حتماً مراعات کنند و اگر در غیر بچه‌داری نیاز به لقاح پیدا کردند، مردها می‌توانند نطفه را در بیرون رحم بریزند و عمل لقاح را در اوقات نامناسب انجام دهند که بهترین راه جلوگیری از بچه‌دار شدن، منی را در بیرون رحم ریختن است نه قرص خوردن و عمل عقیم کردن مرد یا زن، زیرا عقیم کردن مرد یا زن حرام می‌باشد.

۷- از تقلیل فرزند پرهیز کنید یعنی دختران جوانی که تازه ازدواج می‌کنند حتماً چند تا بچه‌دار شوند که تقلیل نسل شیعه ظلم عظیم به پیامبر و آل پیامبر علیهم‌السلام است به خصوص عزیزانی که سید هستند در صورت امکان بچه‌ها را زیاد کنند که نسل فاطمه‌ی زهرا علیها‌السلام فراوان گردد و شعار «فرزند کم‌تر، آسایش بیش‌تر» را یک ظلم آشکار به اهل بیت علیهم‌السلام بدانند مگر جایی که زنان به خاطر عذر جسمی یا روحی نتوانند بچه‌دار شوند.

۸- از خوردن قرص و کپسول خودداری کنند و حتی المقدور تن به سزارین در حین زایمان ندهند که به امر الهی فرزند وقتی زمان تولد آن فرا برسد درد زایمان می‌گیرد و این درد به نفع کودک و به خصوص مادر است و برکات جسمی و روحی آن فراوان است که پی بردن به همه‌ی اسرار آن از عهده‌ی عقل عادی بشر بیرون است.

۹- زنان و مردانی که رحم یا نطفه‌ی ضعیفی دارند برای تقویت آن سبزی تره زیاد بخورند و نیز پیاز مصرف نمایند و سبزی تره برای تقویت اعصاب کل بدن به خصوص اعصاب رحم زن بسیار مناسب است.

۱۰- بعد از هر واقعه زن و مرد برای پاک کردن عورت خود از یک پارچه استفاده نکنند بلکه هر یک، پارچه‌ای جداگانه مصرف نمایند که یک پارچه موجب دشمنی بین زن و مرد می‌شود و شاید بسیاری از اختلافات زن و شوهرها زبر سر همین نکته باشد که بدان توجه ندارند.

۱۱- بعد از هر مواقعه‌ای زن حداقل تا دو ساعت عورت خود را نشوید (و مردها هم همین طور باشند) تا رحم زن تازه بماند.

۱۲- هر مرضی و نقص خلقت که در فرزندان پدید می‌آید از پدر و مادر است که به قوانین طبیعت و الهی توجه ندارند و بعد می‌گویند که فلان فرزند را خدا این‌گونه ناقص کرد در حالی که نمی‌دانند که «و الخیر بیدیک و الشر لیس إلیک»، همه‌ی خوبی‌ها مال اوست و هیچ شری به او بر نمی‌گردد و این ما و شما هستیم که با مراعات نکردن قوانین الهی و قوانین مجعوله‌ی در خلقت این گرفتاری‌ها را به بار می‌آوریم سپس آن را به گردن خدا و عالم می‌اندازیم، در حالی که او خودش را در خصوص خلقت انسان به أحسن الخالقین ستوده است. پس شر از ماست و همه‌ی خیر مال اوست و از نکو جز نکویی ناید.

۱۳- با توجه به اصل قبل که همه‌ی خیر از اوست و شر از ماست توجه به آیه‌ی مبارکه‌ی ﴿نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ﴾ امری ضروری است و مردها باید توجه کنند که زنان کشتزارند و خداوند این زمین کشاورزی را به آن‌ها داده تا طبق قوانین و مقررات در آن کشت کنند و نتایج حاصل از آن را فرزندان سالم و متدین و موحد قرار دهند. همان‌گونه که یک کشاورز زمین کشاورزی را بی حساب و کتاب کشت نمی‌کند و همه‌ی ضوابط زمانی و مکانی و ده‌ها شرایط دیگر را در نظر می‌گیرد. در این زمین زراعی یعنی کارخانه‌ی رحم زن هم باید زحمت بکشد و در آن به قوانین طبیعی و الهی کشت کند تا فرزندان نیکو به دست آورد.

۱۴- در امور ازدواج و نکاح و لقاح باید فرمایش معصومین علیهم‌السلام را ملاک قرار دهیم؛ زیرا که استنباط تشریعیات از دل تکوینیات، از خصائص انسان کامل و صاحبان نفوس مکتفی معصومین علیهم‌السلام است، لذا در روایات منقوله می‌بینید که به چه لطائفی اشاره فرمودند که عقل ما از فهم اسرار آن عاجز و ناتوان است، مثلاً بشر از کجا می‌خواست بفهمد که اگر مردی نطفه را از عقب و پشت وارد رحم زن کند بچه لوچ می‌شود. یا اگر زن و مرد بعد از لقاح برای پاک کردن عورت خود از یک پارچه استفاده نمایند موجب دشمنی و اختلاف بین آن‌ها می‌شود و هزاران احکام تشریحی دیگر که از دل تکوینیات بیان نمودند که ما را یارای فهم اسرار آن‌ها نیست

۱. بقره/۲۲۴؛ زنان شما کشت شمایند.

پس باید میزان را حرف و کلام معصوم قرار داد.

۱۵- از همه‌ی مردها و زنها استدعا می‌شود که به قانون طبیعت تن در دهند و این قدر با صنعت از طبیعت فاصله نگیرند، زیرا صنعت از فهم قاصر بشری سرچشمه می‌گیرد ولی طبیعت از علم ذاتی غیبی و احدی ذات لم یزلی برمی‌خیزد، لذا به تعبیر مولا و سرورم حضرت علامه‌ی عصر و معلم دوران حسن زاده‌ی آملی - روحی فداه- به طبیعیات و قوانین الهی رو آورید و بدان تن در بدهید همه‌ی این نقائص رفع می‌شود. حقا که چنین است و پدر و مادرها با فاصله گرفتن از طبیعیات این همه گرفتاری‌ها را پدید آوردند و آن‌گاه به گردن خدا می‌اندازند. مثلاً بیچه را با بدی خود لوچ بار می‌آورند بعد می‌گویند خدا کرده است، در حالی که فرق بین ایجاد و اسناد را نمی‌دانند و نیز نمی‌دانند که خدای احسن الخالقین و خدای خیر محض هرگز شر نمی‌دهد، و نباید با دست خود شر درست کرد.

تذکر و پیشنهاد: شاید بر اساس دستورات مذکوره در این رساله برای مردان و خانم‌ها عُسْر و حرج لازم آید و موجب دوری آنان از هم گردد و در نتیجه موجب اختلاف شود، لذا پیشنهاد می‌شود که زن و مرد به خصوص عروس و دامادها همه گونه لذت‌ها و بهره‌ها را از هم داشته باشند و حتی لقاح را هم در شب‌ها و یا روزهایی که مساعد نیست انجام دهند ولی هنگام انزال نطفه آن را در بیرون رحم بریزند که انعقاد نطفه صورت نگیرد. و در زمان مساعد یا تمام اشتیاق به هم به قصد انشای صورت انسانی نطفه منعقد گردد.

۱۶- از روحانیون عزیز که مبلغین دین مردم‌اند استدعا می‌شود که در امور غذایی و طب و ازدواج و امور علمی و روایی آن درست بررسی نمایند و در متابر آن‌ها را برای مردم بیان کنند که مساجد و حسینیه‌ها کلاس اکابر است و در این کلاس‌ها مردم باید خوب ساخته شوند و بسیاری از گرفتاری‌های مردم بر اساس ندانستن آنهاست و این هم زیر سر منبری‌های حرف نشنیده‌ی خوب تحصیل نکرده است که به صرف چند جمله‌ی موعظه اکتفا می‌کنند، در حالی که منبرها باید از لطافت علمی و دقائق دینی برخوردار باشد.

اما همچنان که می‌دانید برای به دنیا آمدن فرزند انسان نیازمند پدر و مادری است که با هم نکاح حقیقی نموده و مرد در رحم زن انعقاد نطفه کرده و زن آن را در رحم خود بپروراند تا نهایتاً منجر به تولد فرزند شود.

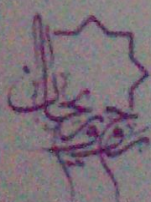
سخن پایانی در مورد تکثیر نسل شیعه یعنی انشای صورت انسانی شیعی
خبر تأسف بار آن است که نسل شیعه در ایران به شدت رو به انقراض است لذا
به جوانان عزیز تأکید می شود که در سن ۱۸ سالگی به ازدواج روی آورند و همه ی
مردم اجتماع هم بدین سوی روی آورند که زمینه ی ازدواج جوانان را فراهم سازند.
با آسان گیری ازدواج و کمک های بلاعوض و یا قرض های طولانی مدت، و یا مثل
اجاره کردن تالارها برای برگزاری جشن ازدواج جوان ها و بالأخره باید که همه ی
افراد جامعه ی همانند انصار برای جوان ها عمل کنند و البته زمینه های فرهنگی و
ارتقای درجات عملی و عملی فرزندان آینده را هم باید فراهم کرد. و این عمل
خداپسندانه باید به صورت فرهنگ عمومی شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام درآید و شاید
خرج های سفرهای زیارتی مستحبی حج عمره و زیارت کربلا و عتبات عالیات و
مشهد مقدس را در مورد ازدواج دختران و پسران جوان به کار گرفتن، بیش تر مورد
رضایت خداوند تعالی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام واقع شود.
امید است بیدار شویم و چشم باز کنیم و خطرات آینده را با دقت رصد کنیم، و
با تکثیر نسل شیعه ی دوازده امامی با درجات عالیه ی علم و عمل زمینه ی خوشنودی
قلب مبارک حضرت بقیة الله عجل الله فرجه را فراهم سازیم.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

و الحمد لله رب العالمین

ازدواج برای انشای صورت انسانی است نه برای اطفای شهوت حیوانی

لذا تمام افعال و اعمال مورد قصد قبل و بعد از ازدواج باید به گونه‌ای باشد که بدین مقصود و غایت منتهی شود. زیرا تمامی کیفیات نفسانی و مزاجی و احوال ظاهر و باطن والدین در کیفیت مزاجی و حصول استعداد نطفه‌ی انسانی دخیل اند و اشخاص مطابق همان کیفیات، دارای اخلاق و احوال گوناگون می‌شوند، چنان که دارای اشخاص گوناگون‌اند. لذا پدر و مادر باید بسیار مراقب اعمال و نیات خود باشند که همه‌ی آن‌ها در نحوه‌ی تکون صورت انسانی دخلی بسزا دارند. پس در ازدواج حرف اطفای شهوت و زناشویی مطرح نیست بلکه زهدان مادر عزیز کارخانه‌ی آدم‌سازی است و این صنّع الهی باید به بهترین صورت پاک نگاه‌داشته شود.

و خلاصه این که خُلق و خوی والدین و تمامی احوال آنان در اوقات و نیات آن‌ها بلکه احوال نفس اوقات در حال انعقاد نطفه و غذای مادر در زمان حمل چون دیگر اوصاف روانی و جسمانی او همه در مزاج طفل تأثیری بسزا دارند، و حق سبحانه از مجرای وجود خود والدین نفخ روح می‌کند و روح از این مجاری رنگ می‌گیرد چون آب آسمان از وادی‌ها.



مرکز پیش

آمل: ۰۲۱۳۳۶۶۸۳۵

قم: ۰۹۹۶۹۱۷۳۴۸